

بهارستان نشینان به دنبال بررسی طرح خروج از ان پی تی و تغییر دکترین هسته‌ای

مجلسیان در مسیر تقابل؟

زهر قاسمی: با فعال‌سازی رسمی مکانیسم ماشه، فصل جدید و تیره‌تری در مناسبات جمهوری اسلامی ایران با غرب و به‌ویژه سه کشور اروپایی عضو برجام آغاز شده است. در چنین شرایطی، صدای آشنای طیفی از نمایندگان تندرو در مجلس، این بار با لحنی بلندتر از همیشه، خروج از پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی) را به‌مثابه یک «پاسخ قاطع» به آنچه «بعدهای اروپا و آژانس» می‌خوانند، مطرح کرده است. این رویکرد نه صرفاً بازتاب یک واکنش فوری به تحولات دیپلماتیک اخیر، بلکه نشانه‌ای از تلاشی هماهنگ برای تغییر زمین بازی هسته‌ای ایران و بازتعریف نقش مجلس در سیاست خارجی کشور است.

مجلس در جست‌وجوی ابتکار سیاسی با بازی با آتش؟

از اظهارات حسینیعلی حاجی‌دلیگانی و دیگر نمایندگان نزدیک به جبهه پایداری چنین برمی‌آید که طرح خروج از ان پی تی، نه‌تنها در فضای احساسی پس از جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی، بلکه از مدت‌ها پیش در سطوحی از تصمیم‌گیری در حال بررسی بوده است. ادعای «اجماع ملی» به سر خروج از ان پی تی از سوی او هرچند با مواضع رسمی دولت و بهری همخوانی ندارد، اما نشان می‌دهد طیف تندرو به دنبال القای انسجامی ساختگی برای پیشبرد برنامه‌های خود هستند. این تلاش‌ها در حالی شدت یافته که رئیس‌جمهور در سفر به نیویورک به صراحت تأکید کرد جمهوری اسلامی نه تمایلی به ساخت تسلیحات هسته‌ای دارد و نه تصمیمی برای خروج از ان پی تی اتخاذ شده است. افزون بر آن، رهبر انقلاب نیز در سال‌های گذشته و حتی اخیراً، با صدور فتاوی صریح، سلاح هسته‌ای را حرام شرعی دانسته‌اند. با این وجود، تندروها که فضای پساجنگ را فرصتی طلایی برای تحمیل پروژه‌های خود یافته‌اند، با جدیت به دنبال تغییر زمین بازی هستند.

اسنپ‌بک، ماشه‌ای علیه دیپلماسی؟

نمایندگان جریان اصولگرای افراطی، فعال‌سازی مکانیسم ماشه را پایان برجام و دیپلماسی تلقی می‌کنند. از نگاه آنان، رویکردی جدید باید جایگزین «خوش‌بینی به غرب» شود؛ رویکردی که در آن نه گفت‌وگو، بلکه «مقاومت و قدرت» حرف اول را می‌زند. امیرحسین ثابتی، نماینده تهران و مشاور سابق جلیلی، با زبانی تند، به سیاست خارجی دولت حمله کرده و آن را فاقد کارآمدی لازم برای پیشبرد منافع ملی می‌داند و برجام را «توافقی استعماری و یک‌طرفه» خواند که «۱۰ سال عمر یک ملت را تلف کرده و زیرساخت‌های امنی ایران را محدود کرده است». حمید رسایی نیز با بهره‌گیری از ادبیات دینی و تاریخی، چهره‌های میانه‌رو را با «اشعث» مقایسه کرده و خود و همفکرانش را به‌مثابه «مالک اشتر» در میدان نبرد ایدئولوژیک می‌بیند. با محسن زنگنه، نماینده تربت حیدریه

در مجلس که درخواست کرد روز ۲۸ سپتامبر (ششم مهر) به روز ملی «قطع کامل امید از آمریکا و غرب» تبدیل شود. محمود نبویان هم با هشنگ عبرت بگیریم در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «همان‌طور که در وسط مذاکره، رژیم صهیونیستی و آمریکا به ملت ایران حمله نظامی کردند، اکنون نیز در وسط مذاکره، مکانیسم ظالمانه ماشه را فعال کردند. روشن است که تنها منطق غربی‌ها، فشار و جنگ و جنایت و قتل‌عام است. و تنها راه مبارزه، قوی‌شدن و مقاومت است». ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز نوشت: «اسنپ‌بک فعال شد، دلواپسان سال‌ها قبل پیش‌بینی کرده بودند. منهای تأثیر روانی، تحریم‌های شورای امنیت چیز جدیدی به تحریم‌های حداکثری فعلی اضافه نمی‌کند، بانیان و حامیان برجام مردم را هراسان نکنند».

روح‌الله نجابت، عضو هیئت‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز نوشته است: «ما برای توقف مکانیسم ماشه سخاوتمندانه عمل کردیم؛ از توافق قاهره تا ارائه پیشنهادات متنوع. از ابتدا روشن بود آنها از چنین ابزاری صرف‌نظر نخواهند کرد، اما ۱۰ سال زمان لازم بود تا خوش‌باوران به آمریکا و اروپا، نتیجه اعتمادشان را تجربه کنند. اکنون چاره‌ای جز قوی‌شدن نداریم».



مالک شریعتی، عضو کمیسیون انرژی هم معتقد است وقت تدبیر است؛ «از آقای عراقچی متشکرم. گرچه با تمدید اسنپ‌بک مخالف بود، در چارچوب سیاست‌های نظام تلاش بسیاری کرد. تصمیم غرب برای تقابل صد درصد با ایران، ۲۳ خرداد وسط مذاکره و داخل برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ گرفته شده نه چهارم مهر. بالاخره ماشه پرسدا چکانده و تمام شد. بد است؟ حتما، ولی تمدید بدتر بود».

یوسفی، عضو هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «شرق»:

خروج از پیمان ان پی تی؛ رویکرد ایران در برابر بدعهدی‌های غرب



عضو هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر لزوم بازنگری در راهبرد جمهوری اسلامی در قبال پیمان ان پی تی و تعاملات بین‌المللی گفت: فعال‌شدن مکانیسم ماشه و تکرار بدعهدی‌های طرف‌های غربی ایجاب می‌کند سیاست‌گذاران داخلی با دقت، عزت و منافع ملی تصمیم‌گیری کنند. مجتبی یوسفی، عضو هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «شرق»، در پاسخ به این پرسش که با توجه به فعال‌شدن مکانیسم ماشه آیا ایران باید از پیمان ان پی تی خارج شود یا برنامه هسته‌ای خود را تقویت کند؟

اظهار کرد: تجربه‌های اخیر نشان می‌دهد نمی‌توان نسبت به تضمین‌های طرف غربی و آمریکایی اطمینان داشت. وی با بیان اینکه «ما در وسط مذاکرات بودیم و در همان ایام مورد حمله قرار گرفتیم»، افزود: این وقایع باید به‌عنوان درس عبرتی در حافظه تاریخی کشور ثبت شود تا دیگر کسی گمان نکند می‌توان به وعده‌های غربی اطمینان کرد. یوسفی با اشاره به اینکه در زمان امضای برجام برخی نگرانی‌ها مطرح شده بود، گفت: «بندهایی مانند مکانیسم ماشه و اسنپ‌بک عملاً ابزارهایی در اختیار طرف مقابل قرار می‌داد تا هرگاه خواست از تعهدات خود شانه خالی کند. تغییر روش رای‌گیری در شورای امنیت در بند ۳۷ که مانع از وتوی مؤثر چین و روسیه شد، نشان‌دهنده طراحی از پیش تعیین‌شده بود که می‌توانست به ضرر منافع ملی تمام شود». او با بیان اینکه «اگر دقت بیشتری در برجام اتخاذ می‌شد شاید امروز آثار منفی کمتری مشاهده می‌شد»، تأکید کرد که تحریم‌های یک جانبه آمریکا تأثیر عمیق‌تری بر زندگی مردم داشته و حتی در صورت اجرای کامل برجام، نگرانی از بازگشت تحریم‌های سازمان ملل نیز وجود داشت. او با بیان اینکه «تحریم‌های آمریکا اثرگذاری درخور توجهی بر معیشت مردم دارد»، افزود: این واقعیت نباید موجب التهاب اجتماعی شود، اما

نیازمند چاره‌اندیشی است. یوسفی در تشریح مختصر مواضع قانونی مجلس گفت: «قانون مجلس پیش‌بینی کرده بود در صورت عدم اجرای تعهدات طرف‌های غربی، تعلیق انجام شود. اما اتفاقاتی رخ داد و برخی تفاهم‌ها توسط وزارت امور خارجه پیگیری شد که پاسخ‌گوی انتظارات مجلس نبود و ضرورت تجدیدنظر در رویه‌ها امروز محسوس است». وی با بیان اینکه «اگر بناسنت در قالب توافق بمانیم اما طرف مقابل به تعهد عمل نکند، خروج از پیمان نیز باید مورد بررسی قرار گیرد». تأکید کرد: ادامه ماندن در چارچوب‌های محدودکننده، درحالی که دسترسی‌های گسترده‌ای به مراکز حساس داده، امری است که با عزت ملی سازگاری ندارد و باید مورد بازنگری قرار گیرد. او با بیان اینکه بررسی همه‌جانبه راهکارها باید شامل مشورت با کارشناسان حقوق بین‌الملل، نهادهای امنیتی و نمایندگان مناطق آسیب‌دیده باشد، تأکید کرد: تصمیم‌گیری شتاب‌زده می‌تواند به منافع ملی آسیب برساند و لازم است راهبردی مدبرانه اتخاذ شود. این عضو هیئت‌رئیس مجلس درباره جنبه دفاعی و نظامی نیز اظهار کرد: «بحث‌هایی که در برجام‌های بعدی مطرح می‌شد، درباره محدودسازی توان دفاعی و موشکی بود، اگر آن بار تن به این مطالبات داده می‌شد، امروز در مقابله با حملات احتمالی وضعیت متفاوتی داشتیم. تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که توان دفاعی و موضع مقتدرانه نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور دارد». یوسفی در خاتمه تصریح کرد: «امروز زمان بازنگری واقعی، بازتعریف منافع ملی و اتخاذ رویکردی است که هم عزت و هم امنیت کشور را تأمین کند. این بازنگری باید مبتنی بر تحلیل دقیق از تجربه‌های گذشته و اتخاذ مواضع مشورتی با دستگاه‌های امنیتی، فنی و حقوقی باشد».

این رویکردها نشان از شکاف عمیق در تفسیر منافع ملی دارد؛ درحالی‌که دولت و بخشی از بدنه دیپلماتیک کشور هنوز به احیای روزنه‌های باقی‌مانده دیپلماسی امیدوارند، مجلس-یا دست‌کم طیف غالب آن- به دنبال انفجار نهایی این مسیر است.

هزینه‌های خروج از ان پی تی؛ عبور از آستانه‌ای خطرناک

طرح خروج از ان پی تی اگرچه از منظر حقوق بین‌الملل ممکن است، اما به لحاظ سیاسی و امنیتی، پیامدهایی ویرانگر به دنبال دارد. تجربه کره شمالی نشان می‌دهد چنین تصمیمی مقدمه تحریم‌های فلج‌کننده، انزوای دیپلماتیک و حتی تهدیدهای نظامی است. ایران، در شرایطی که با بحران‌های اقتصادی، فشارهای منطقه‌ای و چالش‌های امنیتی مواجه است، به سختی می‌تواند بار تبعات چنین تصمیمی را بر دوش کشد. تأکید برخی نمایندگان بر قطع همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز مکملی برای راهبرد فشار حداکثری از داخل است؛ راهبردی که با ارجاع به قوانین پیشین همچون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» در مجلس یازدهم، عملاً مسیر دولت در تعامل با جهان را مسدود کرده است.

تقابل دو قرائت از سیاست هسته‌ای

واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران تاکنون بر حفظ چارچوب‌های حقوقی خود در چارچوب ان پی تی و همکاری با آژانس تأکید داشته و دکترین رسمی کشور مبتنی بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تعریف شده است. خروج از این چارچوب، نه‌تنها اعتبار دیپلماتیک ایران را مخدوش می‌کند، بلکه ابزارهایی همچون «فتوی حرمت سلاح هسته‌ای» را نیز بی اثر خواهد کرد. جریان تندرو در مجلس، با درهم‌آمیختن مفاهیم مقاومت، اقتدار و واکنش قاطع، در تلاش است سیاست هسته‌ای کشور را نه در راستای منافع ملی، بلکه به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در معادلات داخلی به کار گیرد. این نوع بازیگری، بیش از آنکه نشانه‌ای از یک استراتژی منسجم باشد، حاکی از تلاطم درونی قدرت و میل به بازتعریف مرزهای دیپلماسی است.

دیپلماسی در محاصره سیاست داخلی

در شرایطی که پنجره‌های دیپلماسی روز به روز تنگ‌تر می‌شوند، مجلس دوازدهم، به‌ویژه در همراهی با جریان‌های افراطی، به دنبال بهره‌برداری حداکثری از بحران پیش‌آمده است. نادیده‌گرفتن تبعات خروج از ان پی تی و طرح ایده‌هایی مانند «تغییر دکترین هسته‌ای»، نه‌تنها بازی با آتش بلکه نشانه‌ای از سیاست‌زدگی افراطی در مواجهه با حساس‌ترین پرونده امنیت ملی کشور است. اگرچه تصمیم نهایی در چنین سطحی از اهمیت، بی‌تردید نیازمند اجماع حاکمیتی و بررسی کارشناسی است. اما آنچه امروز شاهد آن هستیم، فشار سیاسی از پایین به بالاست؛ فشاری که می‌کوشد با بهره‌گیری از فضای پساجنگ و تحقیر دیپلماسی، جمهوری اسلامی را به سوی تصمیماتی سوق دهد که نه‌تنها هزینه‌زا، بلکه برگشت‌ناپذیرند. مسیر عقلانیت، نه از خروج از ان پی تی می‌گذرد و نه از قطع همکاری با آژانس، از بازخوانی دقیق منافع ملی، حفظ کانال‌های گفت‌وگو و پرهیز از اقدامات هیجانی و غیرقابل بازگشت می‌گذرد. پرسش اینجاست که آیا در میان غوغای سیاسی کاری، صدای عقلانیت هنوز شنیده می‌شود؟

شرط پزشکيان برای ديدار با ترامپ

باید همه تحریم‌ها لغو شود

آورد؛ اما هم‌زمان ایران را متهم به تلاش برای ساخت

سلاح هسته‌ای کرده و عدم اعتماد تهران به آمریکا را ناپدیده می‌گیرد. این تناقض‌ها نشانه‌ای از ناتوانی در پذیرش مسئولیت واقعی از سوی آمریکاست.

البته مسعود پزشکیان در سفر خود به نیویورک و حضور در مجمع عمومی سازمان ملل، موضع ایران را به‌وضوح تبیین کرد. او با رد پیشنهاد آمریکا مبنی بر توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم به ازای تعلیق محدود تحریم‌ها، این درخواست را «غیرقابل قبول» خواند. این موضع آشکارا نشان می‌دهد که تهران هرگونه معامله نابرابر و تحمیل‌شده را نمی‌پذیرد و تأکید دارد که باید حقوق هسته‌ای ایران به رسمیت شناخته

شرق؛ در شرایطی که سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران شدت یافته و تحریم‌ها بار دیگر با فعال‌سازی مکانیسم «ماشه» بازمی‌گردند، اظهارات مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، درباره امکان دیدار با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از اهمیت راهبردی برخوردار است. پزشکیان به‌صراحت اعلام کرده است که هیچ گفت‌وگویی با ترامپ انجام نخواهد داد، مگر اینکه تحریم‌های ایران به‌طور کامل لغو شود. این موضع پیش از آنکه نشانه تمایل تهران به مذاکره باشد، نمود آشکار مسئولیت‌پذیری ترامپ بابت اقدامات و سیاست‌های خود علیه ایران است. بسیار شنیده می‌شود که ترامپ تشنه این

دیدار است. همان‌گونه که در دور

نخست ریاست‌جمهوری‌اش، بارها پیشنهاد ملاقات با حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت ایران را مطرح کرد که به دلایل متعدد ازجمله بی‌اعتمادی متقابل و فضای متشنج سیاسی رد شد. اما شرایط اکنون کاملاً متفاوت است؛ ایران جنگ ۱۲ روزه سختی را پشت سر گذاشته و بمب‌های آمریکایی تأسیسات هسته‌ای آن را هدف قرار داده‌اند که همه اینها بر عمق بی‌اعتمادی افزوده و فضای سیاسی را به شدت متشنج کرده است و همان‌طور که در نیویورک اسکان این دیدار مهیا

نشد، پس از این هم بدون اعتمادسازی آمریکا، رسیدن به میز مذاکره غیرممکن است، چه رسد به دیدار دو رئیس‌جمهور.

بازخوانی سیاست‌های ترامپ و پیامدهای آن برای ایران

دونالد ترامپ در دور اول ریاست‌جمهوری خود، به شکل بی‌سابقه‌ای تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را تشدید کرد و از توافق هسته‌ای برجام خارج شد؛ اقدامی که باعث انسداد دیپلماسی و افزایش تنش‌ها شد. حملات مستقیم به تأسیسات هسته‌ای ایران، حمایت از حملات نظامی اسرائیل در ماه ژوئن و تحمیل فشارهای اقتصادی گسترده، تهران را به موضعی سخت و انفعالی سوق داد. پزشکيان با اشاره به این واقعیت‌ها تأکید می‌کنند که در شرایط فعلی، پذیرش هرگونه مذاکره بدون رفع تحریم‌ها و جبران خسارات وارده، پذیرفتنی نیست. هرچند در روزهای پس از آتش‌بس، ترامپ در اظهاراتی متناقض، اعلام کرده بود می‌خواهد تحریم‌ها را لغو کند و شرایط بهتری برای ایران فراهم

بی‌اعتمادی تاریخی؛ مانع اصلی مذاکرات

دراین‌بین یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی هرگونه گفت‌وگوی سازنده میان تهران و واشنگتن، بی‌اعتمادی تاریخی است. پزشکيان به‌صراحت اعلام کرده «دیوار بی‌اعتمادی میان ما و آمریکایی‌ها بسیار بلند است»، او اشاره دارد که در سال‌های گذشته چندین بار به تفاهم‌هایی دست یافته‌اند، اما آمریکا هر بار این توافقات را نقض کرده است. این واقعیت تلخ، ناشی از سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه و اقدامات نظامی و اقتصادی خصمانه است که فضای مذاکره را مسموم کرده است. از نگاه پزشکيان، پذیرش هرگونه مذاکره صرفاً باید بر پایه تضمین‌های واقعی و لغو تحریم‌ها باشد. او به‌وضوح بر این نکته تأکید می‌کند که ایران آماده مذاکره است، اما نه با شرایط تحمیلی و غیرمنصفانه.

پیامدهای شرط پزشکيان برای سیاست خارجی ایران

موضع روشن و صریح مسعود پزشکیان نشان‌دهنده تلاش ایران برای بازیابی اقتدار و حفظ حقوق خود در عرصه بین‌الملل است. او با شرط‌گذاری برای گفت‌وگو با ترامپ، فضای سیاسی و دیپلماتیک را از جنجال‌های پوچ و شعارهای بی‌عمل دور نگه می‌دارد و بر واقعیت‌های میدانی و حقوقی تأکید می‌کند. این موضع، به‌نوعی هشدار به طرف آمریکایی است که نمی‌تواند بدون پذیرش مسئولیت اقدامات خود، انتظار گفت‌وگو و همکاری سازنده داشته باشد. درعین‌حال این راهبرد نشان‌دهنده بلوغ سیاسی تهران و ضرورت بازتعریف دیپلماسی متوازن است؛ نوعی دیپلماسی که نه خام و صرفاً واکنشی باشد و نه تسلیم شرایط یک‌جانبه.

شرط مسعود پزشکیان برای گفت‌وگو با دونالد ترامپ که رفع کامل تحریم‌هاست، نه یک امتیاز ساده، بلکه بیانگر یک اصل بنیادین است: احترام به حقوق و عزت ملی ایران و پذیرش مسئولیت اقدامات گذشته از سوی آمریکا. این موضع، نمود یک دیپلماسی هوشمند و مقاوم است که هم به دنبال حفظ منافع ملی است و هم درعین‌حال راه گفت‌وگو و کاهش تنش را بسته نمی‌گذارد. ترامپ اگر واقعا خواهان بازگشت به میز مذاکره است، باید ابتدا بپذیرد که شرایط امروز ایران به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با دور اول ریاست‌جمهوری‌اش نیست و آسیب‌های وارده‌شده جبران‌پذیر نیست، مگر با اقدام عملی و لغو تحریم‌ها. تنها با پذیرش این واقعیت است که امکان ایجاد فضای اعتماد و گفت‌وگوی سازنده فراهم خواهد شد.

